



## Prediction of marital conflicts in the Couples of religious students based on perceived parenting styles

Masoud Nouralizadeh Mianaji<sup>1</sup> | Hossein Elahi<sup>2</sup>

### Abstract

The current research was conducted with the aim of predicting marital conflicts of religious student couples based on their perceived parenting styles during their childhood. The research method is a description of the correlation type in which statistical methods were used to extract the regression model. The research sample consists of 626 people (313 couples) who were selected by multi-stage cluster random sampling from among married students in Qom city and were asked the Young's Perceived Parenting Questionnaire (YPI, 1999) and the Revised Binary Marital Conflicts (MCQ- R, 1387) answered simultaneously. The findings of the research showed that: a) parenting styles perceived by parents have a significant and direct relationship with conflicts between couples in the target society. b) Perceived parenting styles of parents can predict marital conflicts of couples of religious students. Of course, mother's parenting style was stronger than father's parenting style in estimating marital conflicts. c) The comparison of couples with marital conflicts and without conflicts indicated the difference in their parenting styles. Therefore, it is better to perform psychological analysis of factors of marital conflicts and planning for prevention and treatment, considering this fundamental component, and in pre-marriage education programs, the role of underlying factors and basic patterns of life should be addressed; Also, by informing and properly educating parents about the destructive effects of inappropriate styles in the future of their children, marital conflicts can be prevented.

**Keywords:** Parenting styles, Marital conflicts, Religious student couples.

DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.65.8.8

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Psychology, Shahed University, Tehran, Iran.  
mnour@shahed.ac.ir
2. Ph.D. student in psychology, Humanities Higher Education Complex, Al-Mustafa Al-Alamiyeh Community, Qom, Iran.



DOR: 20.1001.1.26454955.1402.18.65.8.8

mnour@shahed.ac.ir

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی، جامعه المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

## پیش‌بینی تعارضات زناشویی زوج‌های طلبه بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی

مسعود نورعلیزاده میانجی<sup>۱</sup> | حسین الهی<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی تعارضات زناشویی زوج‌های طلبه براساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده‌ی دوران کودکی آنان انجام گرفت. روش پژوهش، توصیفی از نوع همبستگی است که در آن از شیوه‌های آماری برای استخراج مدل رگرسیونی بهره گرفته شد. نمونه پژوهش شامل ۶۲۶ نفر (۳۱۳ زوج) است که به روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین طلاب متأهل شهر قم انتخاب شدند و به پرسشنامه فرزندپروری ادراک شده یانگ (YPI, 1999) و تعارضات زناشویی تجدید نظر شده ثنایی (MCQ-R, 1387) به طور همزمان پاسخ دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد که: الف) سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده از پدر و مادر با تعارضات بین زوجین جامعه هدف رابطه معنادار و مستقیم دارد. ب) سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی قابلیت پیش‌بینی تعارضات زناشویی خانواده طلاب را دارد. البته سبک فرزندپروری مادر در برآورد تعارضات زناشویی قوی‌تر از سبک فرزندپروری پدر بود. ج) مقایسه همسران با تعارضات و بدون تعارضات زناشویی حکایت از تفاوت سبک‌های فرزندپروری والدینی آنان داشت. بنابراین بهتر است تحلیل روان‌شناختی عوامل تعارضات زناشویی و برنامه‌ریزی برای پیشگیری و درمان، با توجه به این مؤلفه بنیادین انجام بگیرد و در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به نقش عوامل زیربنایی و الگوهای اولیه زندگی پرداخته شود؛ همچنین با آگاه‌سازی و آموزش صحیح والدین از اثرات مخرب سبک‌های نامناسب در آینده فرزندان، از تعارضات زناشویی جلوگیری شود.

کلیدواژه‌ها: تعارضات زناشویی، فرزندپروری، سبک‌های ادراک‌شده والدینی، زوج‌های طلبه.

## مقدمه

محیط خانواده اولین و مهم‌ترین عاملی است که بر رشد شخصیت افراد تأثیر می‌گذارد. محبوب‌ترین امور نزد خداوند متعال استحکام و سلامت خانواده و منفورترین آن‌ها از هم‌پاشیدن کانون گرم خانواده است (کلینی، ۱۴۰۷ق). عوامل متعددی می‌تواند سبب بروز تنش در خانواده گردد؛ یکی از این عوامل تنش‌زا وجود تعارضات زناشویی بین همسران است. تعارضات زناشویی نوعی کشمکش و عدم توافق مداوم و معنادار بین زوجین است که حداقل توسط یکی از آن‌ها گزارش می‌شود. منظور از معنادار، تأثیر این مسئله بر عملکرد خانواده و روابط زوجین و منظور از مداوم اشاره به اختلافاتی است که به مرور زمان از بین نمی‌روند (هالفورد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). همسران متعارض کمترین میزان رضایتمندی از ازدواج و بیشترین احتمال طلاق را نشان می‌دهند (فاورز و السون<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲). در حقیقت هر ازدواجی لحظه‌به‌لحظه درجه‌هایی از تعارض را به همراه دارد که از منابع متعددی سرچشمه می‌گیرد (سالاری فر و همکاران، ۱۳۹۲). برخی از عواملی که در ایجاد و بروز تعارضات زناشویی دخالت دارند، از گذشته فرد نشأت می‌گیرند؛ از جمله، ویژگی‌های شخصیتی (استرود<sup>۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۰؛ فرد به نام طرح‌واره یا روان‌بند می‌شود. این طرح‌واره‌ها در زندگی فرد به‌عنوان عدسی‌هایی مالوف<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰) و تأثیر روابط زناشویی والدین با همدیگر (آماتو و بوت<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱؛ کوران<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۱). یکی از متغیرهایی که همسران از گذشته با خود به رابطه زناشویی می‌آورند، رابطه والد-کودک و سبک فرزندپروری والدین است که می‌تواند بر رضایت زناشویی آنها تأثیرگذار باشد. به این صورت که عملکرد والدین سبب ایجاد و گسترش مدل‌هایی در درون سازمان شناختی عمل می‌کنند که تفسیر، انتخاب و ارزیابی فرد از تجارب وی را شکل می‌دهند (گانتی<sup>۷</sup> و بوری<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). یانگ<sup>۹</sup> معتقد بود که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که از خاطرات،

1. Halford, W.
2. Fowers, B. J. & Olson, D. H.
3. Stroud, C. B.
4. Malouff, J. M.
5. Amato, P. R., & Booth, A.
6. Curran, M.
7. Gunty, Amy L.
8. Buri, J.R.
9. Jung, C. G.

هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها و احساسات بدنی تشکیل شده‌اند و طی دوران کودکی و نوجوانی شکل گرفته و در سیر زندگی تداوم یافته و به شدت ناکارآمدند. به اعتقاد یانگ (۱۹۹۹) ریشه بسیاری از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در همین سبک‌های فرزندپروری است و هر کدام از این سبک‌ها به نوعی در ایجاد طرح‌واره‌های متفاوت نقش اساسی دارند (شیفیلد<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۶). سبک‌های فرزندپروری در واقع در قالب طرح‌واره‌ها یا روان‌بنه‌های اساسی در روان فرزندان نهادینه و در رفتارهای خود با همسر اثر می‌گذارد. نتایج بسیاری از پژوهش‌ها (به‌عنوان نمونه: هریس و کرتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ سیسرو و یانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱؛ گریفیث<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳؛ لوپر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳؛ ترنر<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۰۵) اثرگذاری طرح‌واره‌های ناکارآمد در مشکلات زندگی و اختلالات روان‌شناختی را نشان داده‌اند (شهامت، ثابتی و رضوانی، ۱۳۸۹). بنابراین نوع تعاملات زناشویی کنونی افراد بی‌تأثیر از نوع تربیت و سبک فرزندپروری والدین نخواهد بود (دارلینگ<sup>۷</sup> و همکاران، ۲۰۰۸). سبک فرزندپروری منظومه‌ای از نگرش در مورد فرزند، برنامه‌های رشد و تحول، نحوه برقراری ارتباط و تعامل با فرزند، شیوه کنترل و مراقبت فرزند و جو عاطفی حاکم بر فضای رفتاری والدین است (بامریند<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱؛ دارلینگ و استینبرگ<sup>۹</sup>، ۱۹۹۳؛ دارلینگ، ۱۹۹۹). به‌طور خلاصه سبک فرزندپروری یعنی کیفیت و چگونگی پاسخ‌هایی که والدین در مقابل رفتارهای فرزندان در شرایط مختلف ارائه می‌دهند (کپلان<sup>۱۰</sup> و همکاران، ۲۰۰۲). منظور از سبک‌های فرزندپروری ادراک شده عبارت است از: احساس، ادراک و ارزیابی که فرزندان از سبک‌های تربیتی و رفتار والدین خود دارند (امینی‌نژاد و شاه‌نظری، ۱۳۹۵).

یانگ (۱۹۹۹) سبک‌های متعدد فرزندپروری والدینی ادراک‌شده را معرفی می‌کند: ۱. سبک محروم‌کننده عاطفی<sup>۱۱</sup>؛ ۲. سبک بیش‌حمایتگر<sup>۱۲</sup>؛ ۳. سبک سرزنشگر<sup>۱۳</sup>؛ ۴. سبک کمال‌گرا<sup>۱۴</sup>؛

1. Sheffield, A.W.
2. Harris, A. E., & Curtin, L.
3. Cecero, J. J., & Young, J. E
4. Griffith, Lucy F.
5. Loper, A. B.
6. Turner, C. J.
7. Darling, N.
8. Baumrind, D.
9. Steinberg, L.
10. Coplan, R. J.
11. Emotionally depriving.
12. Overprotective.
13. Belittling.

۵. سبک بدبین / بیمناک<sup>۲</sup>؛ ۶. سبک کنترل‌گر<sup>۳</sup>؛ ۷. سبک بازدارنده عاطفی<sup>۴</sup>؛ ۸. سبک تنبیه‌گر<sup>۵</sup>؛ ۹. سبک مشروط / خودشیفته<sup>۶</sup>. به اعتقاد یانگ ریشه بسیاری از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در سبک‌های فرزندپروری است (شیفیلد و همکاران، ۲۰۰۶). لازم به ذکر است مطالعات انجام‌شده در زمینه سبک‌ها و شیوه‌های تربیتی والدین، بیشتر مربوط به کارهای کلاسیک بامریند (۱۹۷۱) است. بامریند سه سبک فرزندپروری را معرفی کرد: مقتدر<sup>۷</sup>، مستبد<sup>۸</sup> و آزادگذار<sup>۹</sup> (زینالی، ۱۳۹۲). ویلانگ<sup>۱۰</sup> و همکارانش (۲۰۰۴) مشخص کرده‌اند که سبک‌های فرزندپروری به صورت مستقیم بر ویژگی‌های شخصیتی فرزندان و از این طریق بر بیماری‌ها و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌هایی در رابطه با دو متغیر تعارضات زناشویی و سبک‌های فرزندپروری والدینی صورت گرفته است. دیدگاه‌های نظری فراوانی درباره‌ی تعارض ارائه شده است؛ دیدگاه‌هایی همچون رویکرد سیستمی<sup>۱۱</sup>، رویکرد رشدی<sup>۱۲</sup>، رویکرد رفتاری<sup>۱۳</sup> و رویکرد حل مسئله<sup>۱۴</sup> که بیشتر به تعارض از جنبه تعاملی می‌نگرند (فاتحی زاده و همکاران، ۱۳۹۵). قرآن کریم از مفهوم تعارض بین همسران با واژه‌هایی مانند اعراض و نشوز (نساء: ۱۲۸) و شقاق (نساء: ۳۴) یاد کرده است. پژوهش‌های صورت گرفته نشان دادند محیط خانوادگی خصومت‌آمیز و یا گسسته، به رشد سبک دل‌بستگی ناایمن کمک می‌کند و این سبک دل‌بستگی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای ناسازگارانه در روابط بزرگسالی به ویژه روابط زوجی باشد (پهلوان و دیگران، ۱۳۹۴). شواهد مختلف نشان می‌دهد که روابط افراد با والدین در دوران کودکی، کیفیت روابط صمیمی آن‌ها در بزرگسالی را پیش‌بینی می‌کند. برای مثال، تجربه یا مشاهده خشونت و سوءاستفاده در خانه با پذیرش و استفاده بیشتر از پرخاشگری در روابط صمیمی بعدی رابطه دارد (دارلینگ و همکاران، ۲۰۰۸). آماتو و

1. Perfectionist.
2. Pessimistic/fearful.
3. Controlling.
4. Emotionally inhibited.
5. Punitive.
6. Conditionally/narcissistic.
7. Authoritative child-rearing style.
8. Authoritarian child-rearing style.
9. Permissive child-rearing style.
10. Weylung, F.
11. System approach.
12. Developmental.
13. Behavioral.
14. Problem solving.

بوت<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)؛ کوران و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند کیفیت زندگی زناشویی والدین در کیفیت زندگی آینده کودک مؤثر خواهد بود. بر اساس بسیاری از مطالعات، نوجوانانی که در معرض ناسازگاری زناشویی افراطی والدین قرار گرفته‌اند، معضلات ناشی از ناسازگاری والدین را درونی کرده و مستعد ابتلا به مشکلات سلامتی (از قبیل اضطراب، افسردگی) و همچنین ناسازگاری در روابط اجتماعی می‌شوند (سپهرمنش و همکاران، ۱۳۷۸). بچه‌هایی که بدون یکی از والدین زندگی می‌کنند و یا در خانواده‌هایی هستند که در آن‌ها تعارضات و نزاع‌های آشکار و نهان زیاد است، مدل‌های رفتاری را به‌درستی فرامی‌گیرند. آن‌ها به‌خوبی یاد نمی‌گیرند که چگونه با دیگران تعامل داشته باشند (خواججه‌نوری و دهقانی، ۱۳۹۵).

پژوهش بطحایی و آزاد فلاح (۱۴۰۰) نشان داد که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه والدین با سلامت عمومی کودک ارتباط مستقیم وجود دارد و تجربیات اولیه کودک بر رشد و تعاملات او در بزرگسالی تأثیر دارد. برجلی (۱۳۸۰) بیان کرد نوجوانانی که والدین مستبد دارند، کمتر از آن‌هایی که والدین مقتدر دارند، سازگاری نشان می‌دهند. سبک‌های فرزندپروری در خودپنداره (چناری، ۱۳۷۴)، خودکارآمدی (توزنده‌جانی و همکاران، ۱۳۹۰) و خودتنظیمی (فروندیان، اسدزاده و ابراهیمی‌قوام، ۱۳۹۲) فرزندان نقش داشت. همچنین پژوهش باقرپور کماچالی و همکاران (۱۳۸۷) و بهرامی‌احسان و اسلمی (۱۳۸۸) نیز نشان داد که برخی ابعاد سلامت روانی فرزندان در ارتباط با نوع سبک فرزندپروری والدین است. بوری (۱۹۹۱) بر اساس الگوی بامریند و برخی دیگر از پژوهشگران ابزارهایی را برای سنجش سبک‌های والدینی ادراک‌شده ارائه کرده و در این زمینه به ارتباط آن با متغیرهای مختلف روان‌شناختی مانند توانایی حل مسئله، سازگاری، هوش هیجانی، رشد اجتماعی و فردی، دل‌بستگی، موفقیت تحصیلی، پرخاشگری و سلامت و اختلالات روانی و شخصیتی پرداخته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به زینالی (۱۳۹۲)؛ کوبار<sup>۲</sup> (۲۰۰۶)؛ لکسمی و کاداپتی (۲۰۱۲)؛ حبیب‌الله‌نجاج و همکاران (۲۰۱۳)؛ کوار و گرا (۲۰۱۶)؛ چاهان و همکاران (۲۰۱۶) و کماری و کورکانگ (۲۰۱۷) اشاره کرد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۸) به این نتیجه دست یافتند که سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های دل‌بستگی صمیمت زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. حقیقی و خلیل‌زاده (۱۳۹۱) به این

1. Amato, P. R., & Booth, A.

2. Kabbur, R. U.

نتیجه دست یافتند که بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری رابطه (بازتابی) وجود دارد. پژوهش بشارت و همکاران (۱۳۹۴) نشان داد رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین قابل پیش‌بینی است. بر اساس این پژوهش بین سبک فرزندپروری مقتدرانه پدر و سبک فرزندپروری مقتدرانه مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. همچنین بین سبک فرزندپروری آمرانه پدر و مادر با رضایت زناشویی فرزندان رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج پژوهش سیفج-کرنک<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در یافته‌های مشابه تحقیقات استنبرگ (۲۰۰۱)؛ و اوربیک<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۷) نشان دادند که بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با رضایت زناشویی فرزندان رابطه مثبت وجود دارد. همچنین خیانت زناشویی در افراد با سبک دل‌بستگی اجتنابی که از سبک والدینی مستبدانه برخوردار بودند بیشتر بود (حاتمی و همکاران، ۲۰۱۱). در پژوهش قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) فرزندان والدین مقتدر در مقابل مستبد، تعهد زناشویی بالاتری داشتند. بر اساس مطالعات انجام گرفته به نظر می‌رسد، ریشه برخی از تعارضات کنونی که همسران دارند ریشه در ادراک آن‌ها از سبک فرزندپروری والدینشان یا به عبارت دیگر از نحوه رفتار والدین با آن‌ها در دوران کودکی دارد.

از آنجا که رویدادهای دوران کودکی و نوجوانی به‌عنوان یکی از عوامل اصلی شکل‌دهی روان‌بنه‌های شخصیتی شناخته می‌شود، می‌توان پیش‌بینی کرد که سبک‌های فرزندپروری والدین، با تعاملات اجتماعی آینده فرزندان و به‌خصوص در چگونگی تعاملات زناشویی آینده آنان ارتباط داشته باشند. والدین در تعامل ناسالم و ناسازنده خود با فرزندان، چگونه زمینه تعارضات و اختلافات زناشویی آینده آنان خود را فراهم می‌کنند؟ این مسئله در جامعه‌های هدف گوناگون چگونه خود را نشان می‌دهد. سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده در ارتباط با تعارضات زناشویی در جامعه طلاب حوزه علمیه چگونه جلوه‌نمایی می‌شود. با توجه به آموزش‌ها، تربیت‌ها و برنامه‌های خاصی که طلاب دارند، همچنین شرایط خانواده‌های اصلی و سبک زندگی فعلی آنها، پیش‌بینی تعارضات زناشویی آنها بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی چگونه خواهد بود. علاوه بر جامعه آماری خاص، از جمله جنبه‌های متمایز این پژوهش اجرای زوجی و ردیابی ریشه‌ای تعارضات زناشویی در کودکی و مرتبط با طرح‌واره‌های شکل گرفته از نحوه تعامل

1. Seiffge-Krenke, I.  
2. Overbeek, G.

والدین می‌باشد که در پژوهش‌های انجام گرفته تا کنون بدین شکل بررسی نشده است. از این‌رو پژوهش حاضر به هدف بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده با تعارضات زناشویی کنونی همسران طلاب و دست‌یابی به یک مدل رگرسیونی در این زمینه است. همچنین از اهداف فرعی این پژوهش مقایسه سبک‌های گوناگون همسران با تعارضات زناشویی و بدون تعارض است. براین اساس، فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

الف) سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی، تعارضات زناشویی خانواده طلاب را پیش‌بینی می‌کند؛

ب) همسران با تعارضات زناشویی در مقایسه با همسران بدون تعارض، از سبک‌های فرزندپروری والدینی متفاوتی برخوردارند.

سوال اصلی این پژوهش نیز عبارت از این است که: آیا سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی تعارضات زناشویی خانواده‌های خاص طلاب را می‌تواند پیش‌بینی کند؟

## روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که در آن از شیوه‌های آماری برای استخراج مدل رگرسیونی و سایر شاخص‌ها بهره گرفته شد. جامعه آماری این پژوهش، شامل طلاب متأهل حوزه علمیه قم می‌باشد. نمونه پژوهش شامل ۷۵۰ نفر (۳۷۵ زوج) بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای از بین طلاب متأهل ساکن مجتمع‌های مسکونی طلاب در شهرستان قم انتخاب شدند. ابتدا مجتمع‌های مسکونی طلاب قم به لحاظ فراوانی سکونت به دو منطقه (پردیسان - داخل شهر) و سپس در مرحله بعد به چند محله تقسیم شدند. بعد در هر منطقه و محله بر اساس تعداد واحدهای مسکونی آن، نسبت به کل واحدهای مسکونی، ۵۰۰ جفت مجموعه پرسشنامه (۱۰۰۰ نفر) به صورت تصادفی (با واحد نمونه خوشه‌ای مجتمع مسکونی) توزیع گردید. در نهایت بعد از جمع‌آوری نمونه‌های توزیع شده و غربالگری پرسشنامه‌های بی‌اعتبار، تعداد ۳۱۳ مجموعه پرسشنامه کامل به صورت زوجی (۶۲۶ نفر) به عنوان نمونه نهایی برای تحقیق به دست آمد. این پژوهش از طریق اجرای همزمان دو پرسشنامه



فرزندپروری ادراک‌شده یانگ (YPI) و همچنین تعارضات زناشویی تجدیدنظرشده ثنائی و همکاران (MCQ-R) انجام گرفت.

- **پرسشنامه فرزندپروری یانگ:** پرسش‌نامه فرزندپروری یانگ (YPI) در سال ۱۹۹۹ در ۷۲ سوال برای پدر و مادر با ردیابی ریشه‌های تربیتی ادراک‌شده افراد به صورت طرح‌واره‌های کنونی تهیه شد. امیرسرداری، اسمعلی و خادمی (۱۳۹۵) در سنجش کفایت شاخص‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه در نمونه‌های ایرانی، از طریق تحلیل مؤلفه‌های اصلی، فرم مادر را به ۲۸ پرسش (۷ عامل: تحقیر کنند، محرومیت هیجانی، پذیرش جویی، آسیب‌پذیری به ضرر، تنبیه‌کننده، بی‌اعتنایی و طردکننده) و فرم پدر را به ۳۰ پرسش (۸ عامل: تحقیرکننده، محرومیت هیجانی، پذیرش جویی، وابستگی یا بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری به ضرر، اطاعت، خودانضباطی ناکافی و منفی‌گرایی یا بدبینی) کاهش و ویژگی‌های روان‌سنجی آن از جمله آلفای کرونباخ قابل قبول را نشان دادند. خصیصه‌های روان‌سنجی اولیه پرسش‌نامه ۷۲ سوالی یانگ، آلفای کرونباخ با دامنه ۰/۷۱ تا ۰/۹۱ و بازآزمایی با اعتبار بالا و روایی سازه در حد قابل قبولی گزارش شده است (یانگ و براون، ۱۹۹۴، ص ۶۴)؛ صلواتی و دیگران (۱۳۸۶) نیز با استفاده از روش دو نیمه‌سازی، برای فرم پدر ضریب اعتبار ۰/۸۰ و برای فرم مادر ضریب اعتبار ۰/۶۹ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ برای فرم پدر، ۰/۸۴۸ و برای فرم مادر ۰/۸۱۸ به دست آمد.

- **پرسشنامه تعارضات زناشویی:** پرسشنامه تعارضات زناشویی تجدیدنظر شده (MCQ-R) شامل ۵۴ سوال است که توسط ثنائی و همکاران (۱۳۸۷) برای سنجیدن تعارض‌های زن و شوهری ساخته شده است. این پرسشنامه هشت بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند(ان)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر، و کاهش ارتباط موثر. برای هر سوال پنج گزینه در نظر گرفته شده است که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آنها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۷۰ و حداقل آن ۵۴ است. کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۷۹ تا ۱۴۹ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۴۰ تا ۶۰) دارای روابط زناشویی بهنجار هستند و کسانی که نمره خام آنها در دامنه ۱۵۰ تا ۱۸۶ قرار گیرد (معادل نمره استاندارد T بین ۶۰ تا ۷۰) تعارض بیش از حد بهنجار و نمره

خام ۱۸۷ و بالاتر (یعنی معادل نمره استاندارد T بالاتر از ۷۰) تعارض شدید و یا روابط شدیداً آسیب پذیر هستند. پرسشنامه «تعارضات زناشویی» از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سوال با کل پرسشنامه و مقیاسهای آن به دلیل همبستگی مناسب تمام سوالات، هیچ سوالی حذف نشد. ضریب پایایی (اعتبار) آزمون با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه روی یک گروه ۲۷۰ نفری برابر ۰/۹۶ به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ ۰/۸۶۶ به دست آمد.

در تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش، علاوه بر برخی شیوه‌های طبقه‌بندی اطلاعات، مانند نمودارها و جدول‌ها و شاخص‌های آمار توصیفی، همچون میانگین و انحراف استاندارد از شاخص‌های استنباط آماری استفاده شد، که عبارتند از: الف) «ضریب همبستگی پیرسون»<sup>۱</sup> برای بررسی رابطه میان متغیرها؛ ب) «رگرسیون»<sup>۲</sup> برای تبیین میزان پیش‌بینی سهم متغیر پیش‌بین در متغیر ملاک؛ ج) سایر شاخص‌های آمار استنباطی برای آزمون معناداری فرضیه‌ها مانند: «آزمون t مستقل»<sup>۳</sup> جهت مقایسه و به دست آوردن میزان تفاوت میانگین نمرات در هر یک از گروه‌ها.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های مربوط به آماره‌ها و شاخص‌های توصیفی و سپس یافته‌های مربوط به آماره‌ها و شاخص‌های استنباطی مطابق هر یک از فرضیه‌های پژوهش خواهد آمد. بر اساس نتایج این پژوهش بیشترین درصد پاسخگویان (۴۲٪) در رده سنی ۲۵ تا ۳۵ سال قرار دارند. گروه سنی ۳۵ تا ۴۵ سال (۲۶/۵٪)، گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال (۷/۵٪)، و گروه سنی بالای ۴۵ سال (۷٪) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین از نظر مدت زمان ازدواج، ۲۹/۴ درصد افراد «۵ تا ۱۰ سال»، ۲۴/۹ درصد «۱۰ تا ۱۵ سال»، ۱۶/۸ درصد «۱ تا ۵ سال» و ۲۰/۷ درصد ۱۵ سال و بالاتر زندگی زناشویی داشتند.

به منظور تبیین وضعیت تعارضات زناشویی، پاسخگویان به چهار گروه تقسیم شده‌اند: ۱- تعارضات کم: «نمره ۰ تا ۲۵»؛ ۲- تعارضات بهنجار: «نمره ۲۵ تا ۵۰»؛ ۳- تعارضات زیاد: «نمره ۵۰

1. Pearson correlation coefficient.

2. Regression.

3. Independent samples test.

تا ۷۵؛ ۴- تعارضات خیلی زیاد: «نمره ۷۵ تا ۱۰۰». نتایج نشان داد که ۷۰/۴ درصد افراد دارای تعارضات زناشویی کم، ۲۸/۳ درصد تعارضات زناشویی بهنجار و ۱/۳ درصد دارای تعارضات زیاد هستند. لازم به ذکر است میانگین (از ۱۰۰) تعارضات زناشویی افراد ۲۱/۵۱ و انحراف معیار ۱۹/۹۳ می‌باشد.

به منظور تبیین وضعیت فرزندپروری پدر و مادر، نمره فرزندپروری پدر و مادر پاسخگویان بر مبنای ۱۰۰ محاسبه شد و سپس به دو گروه تقسیم شدند: ۱- سالم: «نمره ۰ تا ۵۰» ۲- ناسالم: «نمره ۵۰ تا ۱۰۰». نتایج نشان داد که ۷۴/۹ درصد افراد دارای سبک فرزندپروری پدر سالم و ۲۵/۱ درصد سبک فرزندپروری پدر ناسالم داشتند. همچنین ۷۸/۶ درصد افراد دارای سبک فرزندپروری مادر سالم و ۲۱/۴ درصد سبک فرزندپروری مادر ناسالم داشتند.

برای توزیع نرمال بودن متغیرها از آماره‌های چولگی، کشیدگی، مقدار واریانس و توزیع منحنی نرمال داده‌ها استفاده شده است. با توجه به اطلاعات جدول ۳، قدر مطلق مقدار چولگی و کشیدگی هر سه متغیر تعارضات زناشویی، سبک فرزندپروری پدر و سبک فرزندپروری مادر در بازه بین ۲- و ۲ قرار داشت. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر سه متغیر مذکور نرمال هستند.

جدول ۱. آماره‌های تعارضات زناشویی و سبک فرزندپروری برای نرمال بودن متغیرها

تعداد	چولگی		کشیدگی	
	آماره	انحراف استاندارد	آماره	انحراف استاندارد
۶۲۶	۱/۰۷۱	۰/۰۹۸	۱/۳۶۷	۰/۱۹۵
۶۲۶	۰/۹۴۴	۰/۰۹۸	۱/۱۱۶	۰/۱۹۵
۶۲۶	۱/۱۴۵	۰/۰۹۸	۱/۸۵۰	۰/۱۹۵

## بررسی نتایج فرضیه اول

بررسی نتایج فرضیه اول مبنی بر این که «سبک‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده با تعارضات زناشویی همسران رابطه دارند» نشان می‌دهد بین سبک فرزندپروری پدر و مادر و تعارضات زناشویی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد.

جدول ۲. ضریب همبستگی تعارضات زناشویی و سبک فرزندپروری والدین

تعارضات زناشویی			جنسیت	سبک‌های فرزندپروری والدین
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون		
۳۱۳	۰/۰۰۱	۰/۳۴۰	مرد	سبک فرزندپروری پدر
۳۱۳	۰/۰۳۳	۰/۱۲۱	زن	
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۲۳	کل	
۳۱۳	۰/۰۰۱	۰/۳۱۹	مرد	سبک فرزندپروری مادر
۳۱۳	۰/۰۰۱	۰/۲۴۰	زن	
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۷۲	کل	

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری پدر به میزان  $r=0/223$  (در سطح معناداری  $p<0/001$ ) و مادر به میزان  $r=0/272$  (در سطح معناداری  $p<0/001$ ) به این معنا که هر چه سبک فرزندپروری پدر و مادر سالم‌تر باشد، تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد.

جدول ۳. همبستگی خرده مقیاس‌های سبک‌های فرزندپروری پدر با تعارضات زناشویی

تعارضات زناشویی			خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری پدر	تعارضات زناشویی		
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون		تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۸۹	تحقیرکننده	۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۷۸
۶۲۶	۰/۴۸۱	۰/۰۲۸	محرومیت هیجانی	۶۲۶	۰/۰۹۹	۰/۰۶۶
۶۲۶	۰/۳۰۶	۰/۰۴۱	پذیرش جویی/جلب توجه	۶۲۶	۰/۶۰۱	۰/۰۲۱
۶۲۶	۰/۰۱۷	۰/۰۹۵	آسیب‌پذیری (استعداد) به ضرر یا بیماری	۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۷۵
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۰۶	تنبیه‌کننده	۶۲۶	۰/۹۲۶	۰/۰۰۴

تعارضات زناشویی			خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری پدر	تعارضات زناشویی			خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری پدر
تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون		تعداد	سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	
			خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری مادر				ضرر یا بیماری
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۵۰	بی‌اعتنایی	۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۳۶	اطاعت
۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۸۶	طرد کننده	۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۲۵۷	خویشتن‌داری و خود انضباطی ناکافی
				۶۲۶	۰/۰۰۱	۰/۱۷۹	منفی‌گرایی / بدبینی

نتایج نشان داد: در بین خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری پدر، خرده مقیاس «تحقیرکننده»، «وابستگی»، «اطاعت»، «خویشتن‌داری و خود انضباطی ناکافی» و «منفی‌گرایی» با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری دارد. خرده مقیاس‌های «محرومیت هیجانی»، «پذیرش‌جویی» و «آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری» با تعارضات زناشویی رابطه معناداری ندارند. همچنین در بین خرده مقیاس‌های سبک فرزندپروری مادر، خرده مقیاس «تحقیرکننده»، «آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری»، «تنبیه‌کننده»، «بی‌اعتنایی»، «طرد کننده» با تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری دارند. خرده مقیاس‌های «محرومیت هیجانی» و «پذیرش‌جویی» با تعارضات زناشویی رابطه معناداری ندارد.

### بررسی نتایج فرضیه دوم

در این بخش به بررسی فرضیه دوم مبنی بر «سبک‌های فرزندپروری والدینی ادراک‌شده همسران، تعارضات زناشویی آنها را پیش‌بینی می‌کند» یا به عبارت دیگر تبیین سهم واریانس دو متغیر سبک فرزندپروری پدر و سبک فرزندپروری مادر درباره تعارضات زناشویی پرداخته می‌شود.

جدول ۴. آماره‌های رگرسیونی تعارضات زناشویی بر حسب سبک فرزندپروری پدر و مادر

سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	
۰/۰۰۱	۲۸/۱۲۳	۲۲۳۹/۳۱۹	۲	۴۴۷۸/۶۳۷	رگرسیون
		۷۹/۶۲۵	۶۲۳	۴۹۶۰۶/۵۰۸	باقیمانده
			۶۲۵	۵۴۰۸۵/۱۴۶	کل

نتایج جدول (۴) نشان می‌دهد که متغیر سبک فرزندپروری مادر در برآورد تعارضات زناشویی قوی‌تر از سبک فرزندپروری پدر است. سهم خالص متغیر سبک فرزندپروری مادر و مشترکات هر دو متغیر حدود ۷/۴ درصد واریانس معادله پیش‌بینی تعارضات زناشویی را برآورد می‌نماید و در این میان سهم خالص متغیر سبک فرزندپروری پدر حدود ۰/۹ درصد است. سطح معناداری

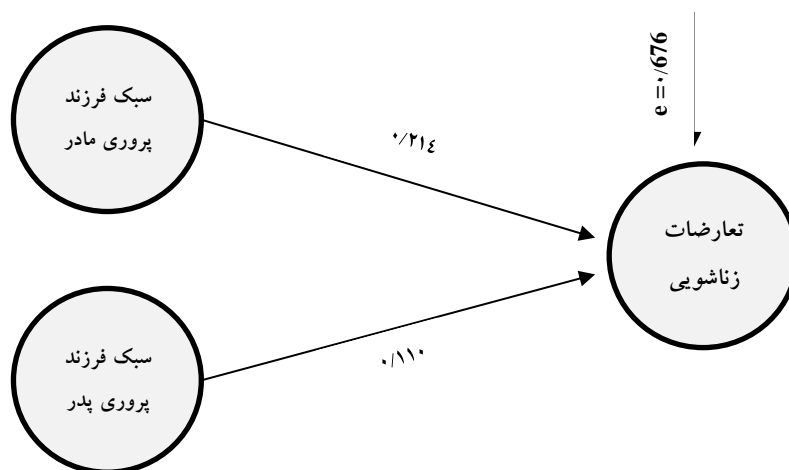
جدول ۴ کمتر از ۰/۰۱ است؛ بنابراین نشان‌دهنده وجود معادله رگرسیونی بین سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده همسران با تعارضات زناشویی است.

جدول ۵. ضرایب استاندارد تعارضات زناشویی بر حسب سبک فرزندپروری پدر و مادر

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد		مدل
		Beta	خطای استاندارد	
۰/۰۰۱	۱۳/۷۴۳		۱/۰۵۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۷/۰۶۵	۰/۲۷۲	۰/۰۲۴	فرزندپروری مادر
۰/۰۰۱	۱۱/۶۲۵		۱/۱۵۰	مقدار ثابت
۰/۰۰۱	۴/۷۴۱	۰/۲۱۴	۰/۰۲۸	فرزندپروری مادر
۰/۰۱۵	۲/۴۳۷	۰/۱۱۰	۰/۰۲۵	فرزندپروری پدر

طبق ضرایب بتای **Error! Reference source not found.** و نمودار ۱، سهم کلی تبیین واریانس متغیر سبک فرزندپروری مادر ۴/۶ درصد؛  $(۰/۲۱۴)^2 = ۴/۶$  و سهم متغیر فرزندپروری پدر ۱/۲ درصد؛  $(۰/۱۱۰)^2 = ۱/۲$  است. در **Error! Reference source not found.** ضرایب بتا برای دو سبک فرزندپروری مادر و پدر مشاهده می‌شود که می‌توان معادله رگرسیونی را به صورت زیر بیان کرد:

$$\begin{aligned} \text{تعارضات زناشویی} &= (سبک فرزندپروری مادر) \times ۰/۲۱۴ + (سبک فرزندپروری پدر) \times ۰/۱۱۰ \end{aligned}$$



نمودار ۱. مدل رگرسیونی تبیین واریانس تعارضات زناشویی بر حسب سبک فرزندپروری پدر و مادر

### بررسی نتایج فرضیه سوم

در این قسمت به بررسی نتایج فرضیه سوم مبنی بر «همسران دارای تعارضات زناشویی در مقایسه با همسران بدون مشکل، از سبک‌های فرزندپروری والدینی متفاوتی برخوردارند» پرداخته می‌شود. در این پژوهش خط برش برای طبقه‌بندی دو گروه افراد دارای تعارض و بدون تعارض، نمره استاندارد T ۵۰ (معادل نمره خام ۱۱۵) در نظر گرفته شد. همسرانی که نمره بالاتر از این مقدار داشتند دارای تعارض و افرادی که نمره آنها زیر آن قرار داشت بدون تعارض یا بهنجار بودند. بنابراین، ۱۳۸ نفر نمره بالاتر از ۱۱۵ و در نتیجه دارای تعارض و ۴۸۸ نفر زیر ۱۱۵ و در نتیجه بدون تعارض می‌باشند.



پیش‌بینی تعارضات زناشویی زوج‌های طلبه بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده والدینی

جدول ۶. تفاوت همسران دارای تعارض و بدون تعارض بر اساس سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر

آزمون t برابری میانگین‌ها				آزمون t برابری میانگین‌ها					
اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	T	سبک‌های فرزندپروری مادر	اختلاف میانگین‌ها	سطح معناداری	درجه آزادی	T	سبک‌های فرزندپروری پدر
۱۰/۰۷۸	۰/۰۰۱	۶۲۴	۶/۷۴۲	نمره کل	۶/۹۱۶	۰/۰۰۱	۶۲۴	۳/۶۷۹	نمره کل
۱/۹۹۸	۰/۰۰۱	۶۲۴	۳/۸۰۸	تحقیرکننده	۲/۳۹۱	۰/۰۰۲	۶۲۴	۳/۰۷۷	تحقیرکننده
۰/۲۱۶	۰/۶۵۱	۶۲۴	۰/۴۵۳	محرومیت هیجانی	۰/۶۳۱	۰/۲۳۲	۶۲۴	۱/۱۹۵	محرومیت هیجانی
۱/۱۸۶	۰/۰۱۰	۶۲۴	۲/۶۰۱	پذیرش جویی	۰/۰۶۱	۰/۸۹۴	۶۲۴	۰/۱۳۳	پذیرش جویی
۱/۱۵۱	۰/۰۰۶	۶۲۴	۲/۷۳۶	آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری	۰/۷۸۲	۰/۰۳۸	۶۲۴	۲/۰۷۶	وابستگی
۱/۷۰۷	۰/۰۰۱	۶۲۴	۴/۶۳۳	تنبیه‌کننده	۰/۰۶۷	۰/۸۷۳	۶۲۴	۰/۱۵۹	آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری
۲/۱۷۸	۰/۰۰۱	۶۲۴	۵/۶۵۱	بی‌اعتنایی	۰/۸۱۶	۰/۰۲۹	۶۲۴	۲/۱۸۹	اطاعت
۱/۶۳۸	۰/۰۰۱	۶۲۴	۶/۶۱۶	طردکننده	۱/۴۵۱	۰/۰۰۱	۶۲۴	۵/۲۳۴	خویش‌نشن‌داری و خودانضباطی ناکافی
					۰/۷۳۵	۰/۰۱۱	۶۲۴	۲/۵۵۷	منفی‌گرایی

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که علاوه بر نمره کل، تفاوت نمرات همسران دارای تعارض نسبت به همسران بدون تعارض در سبک‌های «تحقیرکننده»، «وابستگی»، «اطاعت»، «خویش‌نشن‌داری و خودانضباطی ناکافی» و «منفی‌گرایی» معنادار می‌باشد. همچنین نشان می‌دهد که علاوه بر نمره کل، تفاوت نمرات همسران دارای تعارض نسبت به همسران بدون تعارض در سبک‌های «تحقیرکننده»، «پذیرش جویی»، «آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری»، «تنبیه‌کننده»، «بی‌اعتنایی» و «طردکننده» معنادار می‌باشد.

## بحث و نتیجه گیری

هدف از این پژوهش پیش‌بینی تعارضات زناشویی خانواده‌های طلاب بر اساس سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدینی بود. نتایج این پژوهش نشان داد بین تعارضات زناشویی کنونی همسران و سبک‌های فرزندپروری والدین آنان رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد. به این معنا که هر چه سبک فرزندپروری والدین سالم‌تر باشد، تعارضات زناشویی کاهش می‌یابد و هر چه همسران با سبک‌های فرزندپروری ناسالمی بزرگ شده باشند، از تعارضات زناشویی بیشتری برخوردار خواهند بود. البته تفاوت‌هایی بین مرد و زن در میزان تأثیرپذیری از سبک‌های فرزندپروری والدین‌شان وجود داشت. علاوه بر این، نتیجه به دست آمده از ضرایب رگرسیون، حاکی از معنادار بودن پیش‌بینی تعارضات زناشویی فرزندان بر اساس متغیر سبک‌های فرزندپروری والدینی ادراک شده است. این نتایج با یافته‌های پژوهش‌های مرتبطی چون آمانو و بوت (۲۰۰۱) و کوران و همکاران (۲۰۱۱) همسو است: از این جهت که کیفیت زندگی والدین پیش‌بینی‌کننده کیفیت زندگی آینده فرزندان است. همچنین با یافته‌های پژوهش‌های مرتبطی همچون زینالی (۱۳۹۲)؛ لکسمی و کاداپتی (۲۰۱۲)؛ کوار و گرا (۲۰۱۶)؛ چاهان و همکاران (۲۰۱۶) و کماری و کورکانگ (۲۰۱۷) همسو است: از این جهت که سبک‌های فرزندپروری ادراک شده والدینی پیش‌بینی‌کننده متغیرهای روانشناختی همچون، سازگاری، سلامت و اختلالات روانی فرزندان است. همچنین با یافته‌های پژوهش‌هایی که اوربیک و همکاران (۲۰۰۷)؛ سیفج-کرنک و همکاران (۲۰۱۰)؛ بشارت و همکاران (۱۳۹۴)؛ حقیقی و خلیل‌زاده (۱۳۹۱)؛ و قنبری هاشم‌آبادی و همکاران (۱۳۹۰) انجام داده‌اند همسو است: از این جهت که رضایت، تعهد و خیانت زناشویی فرزندان بر اساس سبک‌های فرزندپروری والدین قابل پیش‌بینی است.

طبق نتایج مدل رگرسیونی به دست آمده در این پژوهش، ضریب تأثیر سبک‌های فرزندپروری پدر و مادر ۰/۳۲۴ در مقابل ۰/۶۷۶ ضریب بتای عوامل دیگر است. هرچند این مقدار ارزش اکتشافی عامل فرزندپروری والدینی را زیرپا نمی‌گذارد اما نشانگر آن است که تقریباً دو برابر مقدار فرزندپروری، عوامل دیگری نیز در میزان تعارضات زناشویی نقش دارند. نباید از خاطر برد که حدود ۳۰ درصد از نمونه‌های این پژوهش، چندین سال از زندگی مشترکشان سپری

شده و دارای قدرت کنترل و حل تعارض بیشتری هستند که این امر می‌تواند یکی از متغیرهای مداخله‌گر محسوب شود. همچنین همه نمونه‌ها مذهبی و از سبک زندگی دین‌مدار و الگوهای اخلاقی و رفتاری پیشگیرانه از تعارضات زناشویی برخوردارند، که مداخله‌گر مهمی می‌تواند باشد. به‌طور کلی، سبک‌های فرزندپروری و نحوه تعامل والدین در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرزندان مؤثر است. در این بین، میزان رابطه و پیش‌بینی‌کنندگی سبک فرزندپروری مادر حدود ۴ برابر بیشتر از سبک فرزندپروری پدر است. از آنجا که ارتباط مادر با فرزندان بیشتر از پدر بوده و زمان بیشتری را با آنان سپری می‌کند، تأثیر تربیتی مادر بیشتر از پدر خواهد بود. نحوه تعامل والدین به‌ویژه مادر، و چگونگی شیوه‌های تربیتی و برخورد آنها در مراحل رشدی در شکل دادن به شخصیت و رفتارهای فرزندان بسیار تأثیرگذار است و به‌طور طبیعی در زندگی آینده آنان و نحوه تعامل آنها با جامعه و در درون خانواده و به‌ویژه با همسرشان اثر می‌گذارد. در واقع طبق نظریات موجود، شخصیت فعلی بزرگسالان و چگونگی رفتارها و عملکردهای آنان، به نوع تربیت آنها و نحوه شکل‌گیری شخصیت و هویت آنان در دوران رشد، به ویژگی در کودکی بستگی دارد. زن و شوهر کنونی معمولاً با همدیگر به شیوه‌ای به تعامل و ارتباط می‌پردازند که آن شیوه به صورت خاصی در روان آنها در گذشته نقش بسته است. ما به شیوه‌ای که یاد گرفتیم و الگو برداری کردیم و به صورت بنیادی، با طرح‌واره‌های ذهنی و عاطفی مثبت و منفی مان زندگی می‌کنیم و با فیلتر نقش بسته آن رفتار می‌کنیم. اریکسونیکی از شروط رابطه نزدیک بین دو نفر، به‌خصوص در رابطه زندگی زناشویی را در ابتدای شکل‌گیری هویت طرفین دانسته است (دانشورپور و همکاران، ۱۳۹۲). طبق نتایج شالتیس و بلاستین<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) خانواده به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان است. بنابراین، هویت و ویژگی‌های شخصیتی که همسران از دوران کودکی‌شان همراه خود به بزرگسالی می‌آورند در چگونگی زندگی زناشویی آنها اثر دارد (استرود و همکاران، ۲۰۱۰؛ مالوف و همکاران، ۲۰۱۰). نظریه یادگیری اجتماعی بندورا<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) پیش‌بینی می‌کند که کودکان رفتارهای اجتماعی خاص از قبیل نحوه ارائه حمایت عاطفی و مدیریت تعارض را از والدینشان یاد می‌گیرند (بشارت و همکاران، ۱۳۹۴). این نظریه‌پردازان معتقدند، مهارت‌های رویارویی که هر فرد به روابط زناشویی خود می‌آورد، در خانواده مبدأ آموخته می‌شوند. علاوه بر

1. Schultheiss, D.P & Blustein, D.L.

2. Bandura, A.

این دیدگاه، می‌توان گفت که محیط خانوادگی خصومت‌آمیز و یا گسسته، به رشد سبک‌دلبستگی نایمن کمک می‌کند و این سبک‌دلبستگی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رفتارهای ناسازگارانه در تعارض‌های زناشویی در بزرگسالی باشد (پهلوان و همکاران، ۱۳۹۴).

ضمن نتایج پژوهش کنونی، مشخص شد که در بین خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری، خرده‌مقیاس «تحقیرکننده» نسبت به باقی مقیاس‌ها از نمره بالاتری در پیش‌بینی میزان تعارضات زناشویی برخوردار است. کرامت نفس و حرمت خود، از پایه‌ای‌ترین سازه‌های روان‌شناختی است که بسیاری از رفتارهای سازنده به آن گره خورده و در مقابل آن احساس کهنتری و حقارت سبب رفتارهای ناسازگارانه است. سبک فرزندپروری که مستبدانه و آسیب‌رسان باشد، منجر به احساس حقارت در فرزندان و تضعیف حرمت خود آن‌ها می‌شود و انسان حقیر به دلیل نداشتن مناعت طبع، دست به هر کاری می‌زند؛ چنانچه امام هادی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ، هر که خویشش نزد او بی‌ارزش باشد، از شر او در امان نباش» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق)؛ و بالعکس با افزایش کرامت و عزت نفس، مهارگری در برابر هیجانانگیز و تکانه‌های متعارض باهدف انسان، افزایش خواهد یافت (رفیعی هنر و آینه چی، ۱۳۹۴). سبکی‌سازنده و کرامت‌آفرین است که مسئولانه، مقتدرانه و مشارکتی و بر اساس محبت باشد و به دور از افراط و تفریط تربیتی<sup>۱</sup> (مستبدانه و سهل‌گیرانه)، بر محور تعادل می‌باشد (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱).

از جمله فرضیه‌های مهم پژوهش کنونی از این قرار بود که «همسران متعارض در مقایسه با همسران بدون مشکل، از سبک فرزندپروری والدینی متفاوتی برخوردارند». طبق نتایج به‌دست آمده، نمره کل مقایسه همسران متعارض در مقایسه با همسران بدون مشکل معنادار بود. تفاوت همسران متعارض و بدون تعارض بر اساس سبک‌های فرزندپروری مادر در مقایسه با پدر بیشتر بود که باز حاکی از میزان تأثیرگذاری بالاتر نقش تربیتی مادر نسبت به پدر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های گذشته همسو هستند. طبق نتایج، تفاوت نمرات همسران متعارض نسبت به همسران بدون تعارض در سبک‌های «تحقیرکننده»، «وابستگی»، «اطاعت»، «خویشترداری و

۱. «شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبِرَّ إِلَى الْإِفْرَاطِ، وَشَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَا التَّقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ؛ بدترین پدران [والدین]، کسی است که نیکی کردن، او را به زیاده‌روی وادارد و بدترین فرزندان، کسی است که کوتاهی کردن، او را به عاق شدن (نافرمانی و آزدن والدین) وادارد» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱).

خودانضباطی ناکافی» و «منفی‌گرایی» پدر و در سبک‌های «تحقیرکننده»، «پذیرش‌جویی»، «آسیب‌پذیری به ضرر یا بیماری»، «تنبیه‌کننده»، «بی‌اعتنایی» و «طردکننده» مادر معنادار بودند. جامعه هدف در پژوهش حاضر قشر خاصی از جامعه یعنی خانواده طلاب است. در کنار سازوکارهای تربیتی والدینی، طلاب علوم دینی از برنامه‌های آموزشی و تربیتی ویژه‌ای برخوردارند که در شکل‌گیری خلق و خوی، شخصیت و منش آنها تأثیرگذار است. همچنین خانواده‌های طلاب به طور معمول سبک‌زندگی اسلامی دارند و به مسائل مذهبی پایبندند. پایبندی مذهبی ارتباط مستقیمی با تعارضات زناشویی دارد، بدین معنی که هر چه پای‌بندی مذهبی بالاتر باشد، تعارضات کمتر است. همچنین دین و مذهب می‌تواند بر دیدگاه فکری افراد تأثیر بگذارد؛ زیرا احتمال اینکه افراد دین‌دار، ازدواج خود را دارای کیفیت معنوی ببینند، بیشتر است. هرگاه تعارضات خانوادگی بر سر موضوعی خاص شکل می‌گیرد، مذهب می‌تواند با مفاهیم معنوی، ارزش‌های مذهبی مشترک و تأکید بر مفاهیمی مانند تقدس ازدواج، اختلاف‌نظر افراد را تعدیل کند و مسیر حل تعارضات زناشویی را هموار سازد (هراتیان و همکاران، ۱۳۹۴).

بنابراین نتایج این پژوهش گامی در آسیب‌شناسی عوامل بنیادین زمینه‌ساز اختلاف و تعارضات همسران و در نتیجه جدایی و طلاق آن‌ها که می‌تواند مورد استفاده برنامه‌ریزان کلان و خرد سازمانی و تربیتی برای تشکیل و تحکیم خانواده‌ها از جمله طلاب و جلوگیری از افزایش میزان ناسازگاری و طلاق قرار بگیرد. همچنین نتایج این پژوهش می‌تواند برای هدف‌گذاری بسته‌های آموزش خانواده و همسران جوان از جمله طلاب در اتخاذ سبک‌های فرزندپروری و چگونگی تربیت فرزندان‌شان تا آینده زناشویی سالمی داشته باشند، مورد استفاده قرار گیرد. پیشنهاد می‌شود در برنامه‌ریزی برای طرح‌های درمانی و مشاوره همسران، به طرح‌واره‌های ناسازگار حاصل از نوع تعامل والدین و سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده، توجه کافی شود. همچنین در برنامه‌های آموزش پیش از ازدواج به نقش عوامل زیربنایی و الگوهای اولیه زندگی پرداخته و با آگاه‌سازی و آموزش صحیح والدین از اثرات مخرب سبک‌های نامناسب در آینده فرزندان، از تعارضات زناشویی جلوگیری شود.

## منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- امیرسرداری، لیلی؛ اسمعیلی، احمد و خادمی، علی (۱۳۹۵). «کفایت شاخص های روانسنجی پرسشنامه فرزندپروری یانگ (YPI)»، روانشناسی تربیتی، ش ۱، دوره ۷، صص ۱-۱۰.
- امینی نژاد، مینا و شاه نظری، مهدی (۱۳۹۵). «پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس شیوه های فرزندپروری ادراک شده و سبک های هویت». روانشناسی تربیتی، ش ۲، دوره ۷، صص ۳۱-۴۲.
- باقرپورکماچالی، صغری؛ بهرامی احسان، هادی؛ فتحی آشتیانی، علی؛ احمدی، خدابخش و احمدی، علی اصغر (۱۳۸۷). «بررسی رابطه الگوهای فرزندپروری با میزان سلامت روانی و موفقیت تحصیلی»، روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۸۵، دوره ۱، صص ۸۷-۱۰۰.
- برجعی، احمد (۱۳۸۰). تحول شخصیت در نوجوان، تهران: انتشارات وراي دانش.
- بشارت، محمدعلی؛ هوشمند، سیده نعیمة؛ رضازاده، سیده محمدرض و غلامعلی لواسانی، مسعود (۱۳۹۴). «پیش بینی رضایت زناشویی فرزندان بر اساس سبک های فرزندپروری والدین»، ریش روانشناسی، ش ۳، دوره ۴، صص ۶۰-۵۱.
- بطحایی، سیده مریم؛ آزاد فلاح، پرویز (۱۴۰۰). «بررسی رابطه تعارض زناشویی و سبک فرزندپروری والدین با سلامت عمومی کودک»، دومین کنفرانس بین المللی فقه، حقوق، روانشناسی و علوم تربیتی در ایران و جهان.
- بهرامی احسان، هادی و اسلمی، الهه (۱۳۸۸). «رابطه سازگاری زناشویی و سبک های فرزندپروری والدین با سلامت جسمی و روانی فرزندان»، روانشناسی و علوم تربیتی، ش ۱، دوره ۳۹، صص ۸۱-۶۳.
- پرچم، اعظم؛ فاتحی زاده، مریم و الهیاری، حمید (۱۳۹۱). «مقایسه سبک های فرزندپروری با سبک فرزندپروری مسئولانه در اسلام». پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۱۴، دوره ۲۰، صص ۱۳۸-۱۱۵.
- پهلوان، مینا؛ موتابی، فرشته و مظاهری، محمدعلی (۱۳۹۴). «واکنش به تعارض زناشویی: مطالعه ای بین نسلی». مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ش ۳، دوره ۲۱، صص ۲۱۴-۲۰۲.
- توزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهان شیر؛ و لگزیان، زهرا (۱۳۹۰). «اثر بخشی شیوه های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان علوم انسانی»، فصلنامه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی گناباد، ش ۲، دوره ۱۷، صص ۶۴-۵۶.
- ثنائی، باقر؛ علاقمند، ستیلا؛ فلاحتی، شهره و هومن، عباس (۱۳۸۷). «مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
- چناری، مهین (۱۳۷۴). «بررسی رابطه نگرش تربیتی والدین و خودپنداری فرزندان»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- حقیقی، ماه منیر و خلیل زاده، رحیم (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک های فرزندپروری»، دوماهنامه مجله پرستاری و مامایی، ش ۱، دوره ۱۰، صص ۶۰-۶.
- خواجه نوری، بیژن و دهقانی، رودابه (۱۳۹۵). «مشکلات نوجوانان و ارتباط آن با نهاد خانواده»، دوفصلنامه جامعه شناسی نهاد های اجتماعی، ش ۷، دوره ۳، صص ۶۶-۳۷.
- دانشورپور، زهره، علی اکبری دهکردی، مهناز، خدایی، علی و شکری، امید (۱۳۹۲). «تغییر ناپذیری بین گروهی ساختار عاملی سیاه سبک هویت در نوجوانان ایرانی»، روانشناسی تحولی، ش ۳۵، دوره ۹، صص ۲۴۸-۲۳۷.

زینالی، علی (۱۳۹۲). «تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان»، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ش ۱ دوره ۹، صص ۸۱-۶۳.

سالاری‌فر، محمد رضا و همکاران (۱۳۹۲). روان‌شناسی اجتماعی با نگرشی به منابع اسلامی، تهران: سمت. سپهرمنش، زهرا؛ احمدوند، افشین؛ یآوری، پروین؛ و ساعی، رضوان (۱۳۸۷). «سلامت روان نوجوانان دبیرستانی شهر کاشان در سال ۱۳۸۳»، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ش ۲، دوره ۴، صص ۴۹-۴۳. شهامت، فاطمه؛ ثابتی، علیرضا؛ رضوانی، سمانه (۱۳۸۹). «بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری و طرحواره‌های ناسازگار اولیه»، ش ۲، دوره ۱۱، صص ۲۵۴-۲۳۹.

صالحی، طیبه‌السادات و رضائیان‌بیلندی، حسین (۱۳۹۸). «نقش سبک‌های فرزندپروری ادراک‌شده و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زنان»، مطالعات اجتماعی زنان و خانواده، ش ۱۱، دوره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۹. فاتحی‌زاده، مریم؛ بارباز اصفهانی، نجمه؛ و پرچم، اعظم (۱۳۹۵). «مدیریت تعارض‌های زناشویی با رویکرد حل مسئله از منظر مشاوره‌ی خانواده و اسلام»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۷۴، دوره ۱۹، صص ۹۱-۶۷. فرنودیان، پریسا؛ اسدزاده حسن؛ و ابراهیمی‌قوام، صغری (۱۳۹۲). «رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با کمال‌گرایی و خود تنظیمی و مقایسه آن در دانش‌آموزان خانواده‌های تک‌فرزند و چند فرزند»، پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری، ش ۱۶، دوره ۵، صص ۱۲۱-۹۹.

قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی؛ حاتمی‌ورزنده، ابوالفضل؛ اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث (۱۳۹۰). «رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متاهل دانشگاه علامه طباطبائی»، فصلنامه جامعه‌شناسی زنان، ش ۲، دوره ۲، صص ۶۱-۳۹.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران، دارکتب الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۱). دانش‌نامه قرآن و حدیث، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.

هراتیان عباسعلی؛ جانبزرگی، مسعود؛ و آگاه‌هریس، مژگان (۱۳۹۴). «رابطه پایبندی مذهبی و تعارض زناشویی و تفاوت آن‌ها در میان زوجین». پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، ش ۵، دوره ۲، صص ۱۱۷-۱۰۱.

- Amato, P. R., & Booth, A. (2001). The Legacy of parents' marital discord: consequences for children's marital quality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 81, 627-638.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence*, 11, 56-95.
- Buri, J.R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, 57(1), 110-119.
- Cecero, J. J., & Young, J. E. (2001). Case of Silvia: A Schema-Focused Approach. *Journal of Psychotherapy Integration*, 11, 2, 217-229.
- Chauhan, Urmila; Sandeep Golhar; and Abhishek Madhura. (2016). Effects of different parenting styles on adolescent adjustment. *Int J Res Med*. 5(2); 6-11.
- Coplan, R. J., Hastings, P. D., Lagace-Seguín, D. G., & Moulton, C. E. (2002). Authoritative and authoritarian mothers' parenting goals, attributions, and emotions across different childrearing contexts. *Parenting: Science and Practice*, 2, 1-26.

- Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., & Bosch, L. (2011). Understanding Marital Conflict 7 Years Later from Prenatal Representations of Marriage. *Family Process*, 50, 221-234.
- Darling, N. (1999). Parenting style and its correlates. ERIC Identifier: ED427896.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *PSYCHOLOGICAL BULLETIN*, 113(3), 487-496.
- Darling, N., Cohan, C., Burns, A., & Thompson, L. (2008). Within-family conflict behaviors as predictors of conflict in adolescent romantic relations. *Journal of Adolescence*, 31, 671-690.
- Davis & E.M. Cumming (1994). Marital Conflict and Child Adjustment: An Depressive Symptoms in Young Adult. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 3, 405-416.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1992). Four types of premarital couple. An empirical typology based on PREPARE.
- Griffith, Lucy F. (2003). Combining Schema-Focused Cognitive Therapy and Psychodrama: A Model for Treating Clients With Personality Disorders. *Journal of Group Psychotherapy, Psychodrama, & Sociometry*. 55, 4, 128- 140
- Gunty, Amy L.; Buri, John R. (2008). Parental Practices and the Development of Maladaptive Schemas. Online Submission, Paper presented at the Annual Meeting of the Midwestern Psychological Association (Chicago, IL), ERIC Number: ED502663.
- Habiballahnataj, Leila; Mohsen Jadidi and abdohakimTirgarei. (2013). A Comparison of Parenting Styles, Perfectionism and Psychological Problems of University Students. *International Journal of Basic Sciences & Applied Research*. Vol. 2 (7), 697-702.
- Halford, W. K. (2001). Brief therapy for couples: Helping partners help themselves. New York: Guilford Press
- Harris and Curtin (2002). Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adult. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 3, . 405-416.
- Harris, Ashley E. and Lisa Curtin (2002). Parental Perception, Early Maladaptive Schemas and Depressive Symptoms in Young Adults. *Cognitive Therapy and Research*, 26, 3, pp 405-416.
- Hatamy, Abolfazl and et.al. (2011). The Relationship between parenting styles and Attachment Styles in men and women with infidelity. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 15, 3743-3747.
- Kabbur, Roopa. U. (2006). The Analysis of Parenting Style and Personality Disorder of the College Students. For the Degree of Master of Human Development, University of Agricultural Sciences.
- Kaur, Jasjit and Manju Gera. (2016). Study of problem-solving ability of adolescents in relation to parenting styles and resilience. *International Journal of Psychology and Counselling*. Vol. 8(2), pp. 8-12. DOI: 10.5897/IJPC2015.0350.



- Kumari, Vandana and Tejpreet Kaur Kang. (2017). Relationship between Aggressive Behaviour and Parenting Style. *International Journal of Current Microbiology and Applied Sciences*. 6(5): 1224-1231.
- Laxmi, A.H.M. Vijaya and Kadapatti, Manjula. (2012). Analysis of Parenting Styles and Interpersonal Relationship among Adolescents. *International Journal of Scientific and Research Publications*, Vol 2, 8.
- Loper, A. B. (2003). The relationship of Maladaptive Beliefs to Personality and Behavioral Adjustment Among Incarcerated Women. *Journal of Cognitive Psychotherapy* 17, 3, 253-266.
- Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N. S., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of Research in Personality*, 44, 124-127.
- Overbeek, G., Stattin, H., Vermulst, A., Ha, T., & Engels, R. C. M. E. (2007). Parent-child relationships, partner relationships, and emotional adjustment: A birth-to-maturity prospective study. *Developmental Psychology*, 43(2), 429-437.
- Schultheiss, D.P. Blustein, D.L.(1994). Contributions of family relationship factors to the identity formation process. *Journal of counseling and Development*, 73, 159-166.
- Seiffge-Krenke, I., Overbeek, G., & Vermulst, A. (2010). Parent-child relationship trajectories during adolescence: Longitudinal associations with romantic outcomes in emerging adulthood. *Journal of Adolescence*, 33, 159-171.
- Sheffield, Alex Glenn Waller; Francesca Emanuelli; James Murray; and Caroline Meyer. Links between Parenting and Core Beliefs: Preliminary Psychometric Validation of the Young Parenting Inventory. *Cognitive Therapy and Research*, Vol. 29, No. 6, 2005 (C2006), pp. 787-802 DOI: 10.1007/s10608-005-4291-6.
- Steinberg, L. (2001). We Know some thing: parent-adolescent relationships in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*; 11: 1-19.
- Stroud, C. B., Durbina, C. E., Saigal, S. D., & Knobloch-Fedders, L. M. (2010). Normal and abnormal personality traits are associated with marital satisfaction for both men and women: An Actor-Partner Interdependence Model analysis. *Journal of Research in Personality*, 44, 466-477.
- Turner & Rose & Cooper (2005). Parental bonding and disorder symptoms in adolescents: The mediating role of core beliefs. *Eating Behaviours* 6. 113-118.
- Weylung-Fur, Linduany-Yi., Chingshu-Bih, and Yinlee, Fei (2004). Parental reading style: premorbid personality mental health and quality of life in chronic regional pain: a causal Analysis, *Journal of comprehensive psychiatry*. 45(3): 206-212.